تامل

چرا و چگونه مقاومت کنیم؟

آنتونیو والرشتاین

از گذشته‌های بسیار دور، آنانی که احساس می‌کردند قدرتمندان سرکوب‌شان کرده یا نادیده‌شان گرفته‌اند، در برابر کسانی که در قدرت‌اند مقاومت کرده‌اند. چنین مقاومتی اغلب، البته صرفا گاهی، وضعیت امور را تغییر می‌دهد. تلقی انگیزه مقاومت‌کنندگان همچون انگیزه‌ای اخلاقی، بستگی دارد به ارزش‌ها و اولویت‌های ناظر.

در ایالات متحده طی نیم‌قرن گذشته، در برابر آنچه سرکوب از سوی «نخبگان» می‌تصور می‌شد که با ایجاد تغییراتی در روش‌های اجتماعی، برخی گروه‌های مذهبی یا روستایان و مردمانی که از سطح زندگی‌شان رو به افول بود، نادیده می‌گرفتند، مقاومتی پنهان شکل گرفت. نخست، این مقاومت را که نادیده‌گرفتن از مداخله اجتماعی را پیش گرفت. سپس شکلی سیاسی‌تر پیدا کرد و در نهایت نام «تی‌پارتی» بر خود نهاد. «تی‌پارتی» برخی موفقیت‌های انتخاباتی به دست آورد. اما متفرق بود و استراتژی روشنی نداشت. دونالد ترامپ متوجه این مسئله و فرصتی که برایش ایجاد می‌کرد شد. وی خود را در مقام رهبری وحدت‌بخش برای این «پوپولیسم» دست‌رنجی ارائه و جنبش را به سوی قدرت کشید و برای پرتاب گیر آنچه ترامپ دریافت آن است که هیچ تضادی بین رهبری یک جنبش علیه «اصطلاح دستگاه موجود و جست‌وجوی قدرت از طریق حزب جمهوری‌خواه وجود ندارد. برعکس، تنها راهی که می‌تواند اهداف اهریمنی‌اش را محقق کند تلفیق این دو است. این واقعیت که وی در قوی‌ترین قدرت نظامی جهان موفق به این کار شد، گروه‌هایی را فکار مشابه در سراسر جهان را دلگرم کرد که درصدد دنبال‌کردن مسیرهای مشابه با شمار دائما فزاینده‌ای از هواداران باشند.

اکتوبر رهبران دو حزب اصلی آمریکا، که به دنبال نشانه‌هایی هستند که ما در مقابله با کسانی که قدرت‌اند مقاومت کرده‌اند، در برابر کسانی که در قدرت‌اند مقاومت کرده‌اند. چنین مقاومتی اغلب، البته صرفا گاهی، وضعیت امور را تغییر می‌دهد. تلقی انگیزه مقاومت‌کنندگان همچون انگیزه‌ای اخلاقی، بستگی دارد به ارزش‌ها و اولویت‌های ناظر.

در ایالات متحده طی نیم‌قرن گذشته، در برابر آنچه سرکوب از سوی «نخبگان» می‌تصور می‌شد که با ایجاد تغییراتی در روش‌های اجتماعی، برخی گروه‌های مذهبی یا روستاییان و مردمانی که از سطح زندگی‌شان رو به افول بود، نادیده می‌گرفتند، مقاومتی پنهان شکل گرفت. نخست، این مقاومت را که نادیده‌گرفتن از مداخله اجتماعی را پیش گرفت. سپس شکلی سیاسی‌تر پیدا کرد و در نهایت نام «تی‌پارتی» بر خود نهاد. «تی‌پارتی» برخی موفقیت‌های انتخاباتی به دست آورد. اما متفرق بود و استراتژی روشنی نداشت. دونالد ترامپ متوجه این مسئله و فرصتی که برایش ایجاد می‌کرد شد. وی خود را در مقام رهبری وحدت‌بخش برای این «پوپولیسم» دست‌رنجی ارائه و جنبش را به سوی قدرت برتاب کرد.